

بخش سوم

اندام

روان

جان آدمی

این بخش در بردارنده ۵۲۵ نام میباشد.

آتری چهر - آذرگونه - آتشین نهاد
 آتش اندام
 آتشبال
 آتش پا
 آتش پر
 آتش پی
 آتش پیکر - آذر اندام - آفتاب درخشان
 آتش تن
 آتش دست
 آتش سر
 آتش سرشت
 آتشین خو
 آتشین سرشت
 آتشین نهاد
 آذر اندام
 آذر بال
 آذر پا
 آذر پر
 آذر پنجه
 آذر پی
 آذر تن
 آذر دست
 آذر سر
 آذر سرشت
 آذر نهاد
 آریال - آتشین اندام - زیبا - پرنیرو
 آریپنجه - آتشین پنجه
 آرچهر

آرید - دید و نگاه آتشین و گیرا
 آرسر - آتشین سر - پرتلاش و پرنیرو
 آریا چهر - ایرانی نژاد - آریایی نیا
 آریایی خو
 آریایی سرشت
 آریایی نهاد
 آزادخوی
 آزاد دل
 آزادگوی
 آهن پنجه
 آهن تن
 آهن جان
 آهن رگ
 آهنین بازو
 آهنین جان
 آهنین جگر
 آهنین رگ
 آهنین مشت
 آبار - (مانند کدام) : نیک پیکر
 آبر تن - برتر - والا - باتبار
 ابرتنی - بانژاد - نیک تبار
 ابرو فراخ - دست و دلباز - گشاده رو
 آرشو چنگ - راست گفتار - پاکدست
 آشا سر - سرآمد راستی و درستی
 اندرز گو - پند دهنده
 ایزد کام - خدایار - یزدان پناه
 ایران اندیش - ایران پرست

بادپا - تند و تیز - چالاک
 باز چنگ - شاهین چنگ - توانا
 باز دل - دست و دلباز - دهشگر
 باز سینه - گشاده رو - خوش برخورد
 و دست و دلباز - مهربان
 باز رو - گشاده سیما - شاد
 باز گونه - نگه به " باز رو"
 باز مغز - آگاه - دانا - روشن بین
 باریک بین - ژرف اندیش
 برزینه - بلندبالا - خوش اندام
 برنا دل - توانا - نترس - بیباک
 بلندبالا - خوش اندام - کشیده
 به بازو - دلاور - زورمند
 به بین - نیک بین - ژرف بین
 به خوی - خوشخو - مهربان
 بهدل - نیکخواه - نیک اندیش
 بهروان - نیک روان - نیک اندیش
 بهکام - کامروا - کامکار - کامیاب
 بهکام - خوش پا - بخت آور
 بهگو - خوش سخن
 بهمنش - نیک نهاد - نیک نژاد
 به نهاد - بهمنش
 بیدار تن - آگاه - دانشمند
 بیدار دل - روشن بین - آگاه
 بیدار مغز - هوشیار - بخرد - آگاه
 بینا - آگاه - باخرد - روشن بین
 بینادل - با خرد - روشن آگاه
 بینا داد - آفریده بینایی و خرد

بینا زاد - آفریده خرد و بینایی
 بیناقر - فروغ و شکوه خردمندی
 پابرجا - استوار - پایدار - همدل
 پاچنگی - پنجره زیبا و کوچک - پا
 افزار - چنگ پا
 پادار - برجا - پایدار - اسب تندرو
 پارساخو - نیکدل - پرهیزگار - پاک
 پاشنه آهن - دلاور - نیرومند
 پاشنه شیر - دلیر - نیرومند
 پاشنه پیل - زورمند - دلیر
 پاک چشم
 پاک خو
 پاکدامن
 پاکدست
 پاکدل
 پاکدید
 پاکروان
 پاک سرشت
 پاک نهاد
 پانیک - خوشگام - بخت آور - نیک پی
 پایدار - استوار - پابرجا
 پایداری - ایستادگی - استواری
 پایگاه - گزینگاه - تبار - نژاد
 پایگاهی - ایستا - پایدار - باتبار
 پایمرد - پایدار - بخشنده - یاری بخش
 پایمردی - ایستادگی - پایداری
 پایور - استوار - پابرجا

پایوری - استواری • ایستادگی •
 پایه - والایی • بزرگی • ارج •
 پایه دار - ارجمند - گرانمایه • وال •
 پردل - نترس • بیباک • نیرومند •
 پرفر - (مانند بهمن) : دارنده شکوه •
 پنجه کوب - دلاور • نیرومند - یل •
 پندگو - اندرز گو •
 پہلو دار - سودرسان • هوادار •
 پولاد تن - - نیرومند • پہلوان •
 پولاد پا •
 پولاد جان •
 پولاد چنگ •
 پولاد دست •
 پولاد دل •
 پیرنگر - باخرد • دورانندیش •
 پیروز پی •
 پیروز کام •
 پیروز کام •
 پیش بین - دورانندیش • ژرف نگر •
 پیشگام - جلو دار • پیشرو • رهبر •
 پی افکن - سازنده • دلاور •
 پیکر نگار - هنرمند • نگارگر •
 پیکر تراش - هنرمند • نگارگر •
 پیکند - (مانند میمند) : پایدار • یل •
 و دلاور • ایستا • پافشار •
 پیروز - با پشتکار • پایدار • لجباز •
 پیورزی - پشتکار • لجبازی •

تن آزاد - رستگار • آزاد • ناوابسته •
 تنآگین - تنومند • برومند •
 تناور - استوار • دلاور • خوش اندام •
 تہمتن - دلاور • دلیر • بیباک •
 تنو - (مانند مگو) : توانایی • نیرو •
 تنوختن - (مانند مگو بد) : بلند •
 بالا • خوش اندام • زیبا • پیکر •
 توان پای - نیرومند • پایدار •
 توان دست - توانگر • توانمند •
 تیزبال - تندکار • تیز دست • زیرک •
 تیزبین - با هوش • هوشمند •
 تیزپا - تند و چالاک •
 تیز پر •
 تیز چنگ •
 تیز دست •
 جان - روان •
 جان آہن - دلاور • سخت کوش •
 جانباز - دلاور • از خودگذشته •
 جان بخت - بخت پیروز • شاد •
 جانبخش - شادی بخش • شادی آفرین •
 جانسپار - جانباز • از خودگذشته •
 جان شیر - پایدار • ایستا • استوار •
 جان یار - دوست • همدل • ہم اندیش •
 جم خو - دارنده خوی جم •
 جوان خو - پرنیرو • کوشا •
 جهان بین - بلندنگر • دورانندیش •
 جهان کام - کامکار • کامروا •

چابک سر - تیز • تند • چالاک •
 چرب دست - هنرمند • شیرین کار •
 چشم پاک - پاکدل • نیک اندیش •
 چہرہ آزاد - آزاده • گشاده رو • بامہر •
 چہرہ پرداز - نگارگر •
 چہرہ گشا - مهرورز • گشاده رو •
 چہرہ نگار - نگارگر •
 چیرہ دست - استاد • هنرمند • کار •
 دان • چالاک •
 چیرہ دل - بیباک • چیرہ برخوردار •
 خداکام - خدایار • کامیاب • پیروز •
 خرم چہر - شاد • گشاده رو •
 خرم دل •
 خرم روان •
 خرم سرشت •
 خرم نہاد •
 خندان دل •
 خندان رو •
 خندہ رو •
 خوب نگاه •
 خورپا - پرفروغ • باشگون •
 خورشید چہرہ - تابان سیما •
 خورشید رخ - پر درخشش •
 خورگام - نیک پیام • نویدبخش • پر •
 فروغ • روشنی بخش • روشن پی •
 خوش اندام •
 خوش اندیش •

خوشبین •
 خوشپا - باشگون • شادی آور • خوب •
 خوش دست •
 خوشدل •
 خوشدید •
 خوشرخ •
 خوشرو •
 خوش زبان •
 خوش سر •
 خوشکام •
 خوشکام •
 خوشگو •
 خوش نگاه •
 داد بین - دادور • دادرس •
 دادخو - دادگر • دامنش • دادرش •
 دادگو •
 درست کام •
 دریادل •
 دریک سر - گنجور زمان اشکانیان •
 دژآکام - (مانند دلآرام) : پرهیزگار •
 دژآکامہ - دژآکام •
 دست آذر - آتشین دست • مہربان •
 گرمابخش • یاور •
 دست پاک - پرهیزگار • باباور •
 دستگرد - دارایی •
 دستگردی •
 دستمرد •

سخت بازو - نیرومند - توانا •
 سرآمد - برگزیده - برتر • شایسته •
 پیشرو • پیشگام • سرور • وال •
 سرافراز - سربلند • ارجمند •
 سرافشان - مست شور و شادی • جان
 فشان • سرباز • از خودگذشته •
 سرباك - سردار • سیاستمدار •
 سربخش - باگذشت • وال • بخش‌کن
 سربراز - سرفراز • سزاوار • شایسته •
 سربلند - بالنده • سرفراز •
 سرپاس - سردار • نگهبان • گرزگران
 سرپنجه - پر زور • توانا • زبردست •
 سرچكاد - بلندی • سرکوه • پیشانی •
 سرچم - آراسته • خرامان • باناز •
 سرچنگ - سردار سپاه • پهلوان • جنگی
 سرخوش - شاد • خرم • خشنود •
 سردادور - سردادرس •
 سردار - سالار • پیشوا • فرمانده •
 سرورزم - فرمانده • سردار •
 سرزن - سرکش • نافرمان • خودرای
 سرزنده - شاد • شادمان • پرشور •
 سرسخت - کوشا • ایستا • پایدار •
 سرسختی - پافشاری • کوشندگی •
 سرشار - پرما • لامال • لبریز • خوب •
 وال • شایسته •
 سرفشان - مست شور و شادی • سرباز
 سرکش - نافرمان • خودآهنگ •
 سرکوه - برتر • بهتر • وال •

زرین چنگ
 زرین چهر
 زرین چهره
 زرین دست
 زرین دل
 زرین سر
 زرین کمر
 زنده جان
 زنده خو
 زنده دل
 زنده روان
 ژرف بین
 ژرف نگاه
 ژنده تن - دلاور • دلیر •
 ژنده پیکر - نگه به " ژنده تن " •
 ژیان بازو - درهم کوب • نیرومند •
 ژیان پیکر - خشمناک • پرزور •
 ژیان چهر - خشمگین • شکوه رخ •
 ژیان رخ - نگه به " ژیان چهر " •
 ژیان دست - پرزور • پرتوان •
 سایه دست - پشتیبانی • یاری • مهر
 سیکبال - آرام • آسوده • باآرامش •
 سبكدست - استاد • تردست • نیک •
 سیکدل - شاد • بی اندوه • آرام •
 ستوده کام - پیروز • کامروا • چیره •
 ستوده گام - پیروزمند • کامروا •

راستکام
 راستکام
 روانبخش
 روانپور
 روانسر
 روزپیکر - درست کردار • نیک •
 روشن بین
 روشن چشم
 روشندل
 روشن روان
 روشنگر
 رویین تن
 ره بین
 زبر دست - استاد • چیره • کاردان
 زربازو
 زربال
 زربین
 زریا
 زری
 زردست
 زرکام
 زرگام
 زرین بازو
 زرین بال
 زرین پا
 زرین پاشنه
 زرین پنجه
 دستمردی
 دست نیک
 دست ورز
 دستیار
 دل آگاه
 دلاور
 دل‌باز - گشاده رو • بخشنده • زبان
 آور • جای خوش آب و هوا • خوشدید
 دل بیدار
 دل پاک
 دل‌زنده
 دلسوز
 دلشادان
 دوراندیش
 دوستکام
 دوستکامی
 دیدگان
 دیده بان
 دیده ور
 رادپی - بخشنده • مهربان •
 رادسر - نیک اندیش •
 راست اندیش
 راست بین
 راست پندار
 راست رو - (رومانند دو) : راه راست
 پیما • درست کردار •
 راست نهاد

سرکوهی - ارجمند - والا - بهتر .
 سرگران - ارزشمند - خشمناک .
 سرمست - شاد - پرشور .
 سرور - (مانند بهمن) : گرانمایه .
 ارجمند - والا - برتر - پیشوا - رهبر .
 سرهال - شاد - سردماغ - خرم .
 سرهنگ - فرمانده - پیشوا - پیشرو .
 سرهنگ پور
 سرهنگ داد
 سرهنگ زاده
 سرهنگ نژاد
 سرهنگ نیا
 سرهنگ یار
 سینه پهن - خوش اندام - فراخ بر .
 شاد چهر - خوش حال - سرشاد - خرم
 شاد رخ
 شاد سر
 شادسیما
 شادکام
 شادگون
 شاند - (مانند راند) : زلف - کاکل .
 شاه رخ
 شاه روی
 شاهین پنجه
 شاهین چنگ
 شاهین سر
 شهبال

شیران
 شیربازو
 شیر پنجه
 شیر پیکر
 شیر تن
 شیر جگر
 شیر دل
 شیر زهره
 شیرو
 شیر یال
 شیرین کام

فراخ آستین - راد - بخشنده .
 فراخ ابرو - گشاده رو - دوست یار
 فراخبال - دست و دل باز - بزرگوار
 فراخ بخش - بسیار باگذشت - با
 دهش - بخشنده - گشاده دست .
 فراخ بر - سینه پهن - خوش اندام .
 فراخ بین - بلندنگر - بلنداندیش .
 فراخته سر - سرفراز - سر بلند .
 فراخ خو - خوشخو - بردبار - شکیبا
 فراخ دامن - فراخ دست - دهشگر .
 فراخ دست - راد - بخشنده - توانگر
 فراخ دل - بیباک - پردل - نترس .
 فراخ دوش - چهارشانه - پهلوان .
 فراخ دیده - چشم و دل باز - بلند
 نگر - بخشنده - دوراندیش .
 فراخ رو - خندان - گشاده سیما .

فراخ شانه - پهلوان - شانه پهن .
 فراخ کام - شاد - توانگر - کامیاب .
 فرادید - دور دید - ژرف بین . دور
 اندیش . دور نگر .
 فر بین - نیک اندیش - فروتن - دور
 اندیش - بلنداندیش - ژرف نگر .
 فرخ بین - نیک بین - خجسته نگر .
 فرخ پی - بخت آور - باشگون - نیک
 گام - خجسته پا - شادی آور .
 فرخ تن - شاد - خجسته تن - همایون
 فرخ دید - نیک بین - خوشبین .
 فرخ دیدار - بخت آور - شادی بخش .
 نیک - همایون - شادی بخش .
 فرخ کام - کامیاب - کامروا - کامکار .
 فرخ گام - نویدبخش - باشگون .
 فرخ نگاه - خجسته دید - شادی بخش
 فرخ منش - نیک نهاد - والاتبیار .
 فرخ نهاد - نیک منش .
 فرخنده پی - خوشگام - نیک پی .
 فرخنده گام - خجسته - باشگون .
 فرخو - درخشان - خجسته - زیبا .
 نیک خو - نیک روش - خوی والا .
 فر دست - زبردست - استاد .
 فر دید - بلندنگر - دوراندیش
 فرزانه روان - دانشمند - فرزانه .
 فرزانه کام - بینشور - خردمند .
 فرزانه گام - بینشمند - بخرد .
 فرزانه خو - دارای خوی خردمندان

فر کام - کامروا - کامیاب .
 فر کام - خجسته پی - نیکپا .
 فرمنش - نیک نژاد - بزرگزاده .
 فرنودساد - باخرد - دانا .
 فر نگاه - نیکدید - نگاه شکوهمند
 فر نهاد - با منش - نیک نژاد .
 فروتن - افتاده - ارجگزار - مهربان
 فروزان روان - روشندل - روشن بین
 و دانا - دانشمند و آگاه .
 فولاد پی - استوار - نیرومند .
 فیروز کام - کامکار - کامیاب .
 فیروز گام - خجسته پی - پیروزی .
 کاکلی - کاکل دار - زیبا و گیرا .
 کام - خواسته - آرزو - خواهش .
 کامبُد - (مانند کارشد) : کامکار .
 کام بخت - خوشبخت - فرخنده .
 کام بخش - کام ده - سودبخش .
 کام پیروز - کامکار - به خواسته رسیده
 کامجو - جوینده کامکاری .
 کام خواسته - کام خواه - کامجو .
 کامخواه - کامجو .
 کامران - در آسایش - در آسودگی .
 روزگار به کام - شاد و پیروز .
 کامبیز - شاد - کامکار - کامران .
 کامروا - به کام رسیده - کامکار .
 کام روز - خوشبخت - کامران - شاد
 کام سر - کامکار - به آرزو رسیده .

کامفر - شاد • نیکبخت • کامیاب •
 کامکار - کامیاب • کامروا •
 کامروا - شاد دمان • کام پیروز •
 کام وریج - آرمان • آرزو • خواسته •
 کامور - (مانند کارگر) : شادبهر •
 کامدل • کامروا •
 کامی - کام یافته • به کام رسیده •
 کامیاب - کامکار • کامروا •
 کامیار - کامروا • خوشبخت • شاد •
 کامین - به کام رسیده • کامیاب •
 کرگد سینه - (مانند سردسینه) : زور
 مند • پهن سینه • کرگدن سینه •
 کویال - گردن ستبر • گرز آهنین •
 کورس - موی پیچیده •
 کوه پا - پایدار • ایستا • پا برجا •
 کهن دل - آزموده • آگاه • باخرد •
 کیاسر - والاتبار • بانژاد • بزرگزاده
 کیان سر - نگد به "کیاسر" •
 کی سر - کسرا (در ربه گونه سزار
 و در مصر به قیصر برگشته است) :
 درچم : خوشنام • والانباز • والاتبار •
 شهریار • نیک نیا •
 کی کامه - پیروز • والاکام یافته •
 بزرگ • نژاده • بزرگزاده •
 کیوان سرشت - بزرگزاده • بزرگنیا
 کیوان منش - والاکام • برتر • نیک نژاد
 کیوان نهاد - ارجمند • بزرگزاده •
 برتر • ارجمند • گرانمایه •
 گبر - دلیر • توانا • پهلوان • والاکام
 تبار • نیک نژاد • بزرگزاده • راد •
 دهشگر • بخشنده • ارجمند •
 گبر اندام
 گبر اندیش
 گبر پیکر
 گبر تن
 گبر چهر
 گبر دست
 گبر دل
 گبر سیما
 گبر کام
 گبر گام
 گبر سخن
 گبر گو
 گبر منش
 گبر نژاد
 گبر نهاد
 گردبازو - زورمند • بیل • پهلوان •
 گرد پنجه
 گرد چنگ
 گرد دست
 گرد دل
 گردنفرز
 گرد پنجه
 گشاده چهر - نیکبرخورد • شاد •
 گشاده دست - دست و دل باز • راد •
 گشاده رو - شاد • خرم • مهربان •

گلیا -
 گل پی
 گل منش
 گل نژاد
 گل نهاد
 مگا بازو - (مانند روابانو) : دارای
 بازوان بزرگ و پیچیده • زورمند •
 مهر بازو - مهربان • مهرورز •
 مهر پنجه
 مهر دست
 مهر دل
 مهر زبان
 مهر سخن
 مهر کام - خوشبخت • کامروا •
 مهر گام - مهربان • مهر پی •
 مهر گو
 مهر منش
 مهر نهاد
 منوچهر - مینویی سرشت (گروهی
 برآنند که زاده کوه منوش است) •
 مینوچهر - مینویی سرشت •
 نرم دل - دلسوز - مهربان •
 نرمسار - بردبار • شکیبیا •
 نرم شانه - رام • همراه • همدل •
 نیک پا - خوشگام • با شگون •
 نیک بین - خوشبین • مهرورز •
 نیک پنجه - نیک نواز • دهشگر •
 نیک پی - نیک پا •
 نیک تن
 نیک جان
 نیک خو
 نیک دست
 نیک سر
 نیکدل
 نیک دید
 نیک روان
 نیک سخن
 نیک سرشت
 نیک کام
 نیک گام
 نیک منش
 نیک نگاه
 نیک نهاد
 نیکو پی
 نیکو تن
 نیکو دل
 نیکو روان
 نیکو سخن
 نیکو سرشت
 نیکو کام
 نیکو گام
 نیکو منش
 نیکو نگاه
 نیکو نهاد

نيكى منش

نيكى نهاد

والابين

والاتن

والاسر

والامنش

والانهاد

ويدا منش - خردتبار • دانشمند •

هَبَاك - (مانند سرای) : تارك سر •

همگام - همدل • همآوا • همآهنگ •

همه بين - نگهبان بر همه چیز • اين

آوازه " اهورا مزدا " ميباشد •

هوتن - نيك اندام • خوش بر و بالا

هوديد - نيك بين • نيك انديش •

هودم - خوشدل • نيكدل • نيك دم •

هوم سر - خوشبو •

يکرو - همدل • پاك انديش • باز •

يکرویی - درون و برون یکسان •

يل اندام - دلاور • پهلوان •

يلان سينه - دلاور - پهلوان •

يل بازو - نيرومند - دلير •

يل پيکر - پهلوان • نيرومند •

يل پا - زورمند • توانا • پرنيرو •

يل تن - زورمند • تناور •

يل سيما - دلير • زورمند • دلاور •